

# مسائل ایران

از دکتر منوچهر قاطع

## « جوانان و انقلاب »

در قبول این حقیقت که تاریخ کشور ما در سالهای اخیر مشحون از يك رشته تحولات عمیق و شگرف میباشد تردید نباید کرد، ما و شما همه کسانی که به اصالت انقلاب و اهمیت رفورم‌های ایجاد شده در تمام شئون کشور معتقد بوده و خود را ابزار و ادوات این ترقی و تکامل میدانند در حالیکه با غرور محصول کار و کوشش خود را عرضه میدارند از اینکه مشاهده میکنند آنچه که تا بحال شده است پاسخگوی انتظارات و احتیاجات جامعه ما نیست بناچار متوجه علل رکود و سستی‌ها میشوند و ناگزیر از ایراد انتقاداتی میگرددند که در مجموع خود میتواند راه حل مناسبی برای همه مشکلات و نارسائیهای کنونی باشد و درست بهمین خاطر است که در هر اجتماع مترقی که باشیوه دموکراسی اداره و رهبری میشود حق انتقاد کردن بسیار محترم است و اولیای مملکت در کمال صمیمیت و بردباری حرف حساب را میشنوند به خرده گیریهای مردم توجه میکنند و هم وغم خود را مصروف تأمین رضای خاطر آنها مینمایند، مفهوم دموکراسی و اصول پارلمانتاریسم هم جز این نیست در یک رژیم دموکراتیک همه میتوانند و باید از حق تعیین سرنوشت کشور خود بهره‌مند باشند و بهر اندازه که این حق عمومی‌تر و همه جانبه‌تر باشد بهمان نسبت دموکراسی دوام و بقای بیشتری خواهد داشت و خوشبختانه آن خصوصیت ممتازی که بمثابة روان انقلاب کشور ما بر چهره جامعه میدرخشد و بحق خود آرائی میکند همین عمومی شدن حق دخالت در امور

کشور و استفاده از مزایا و برتری‌های سیستم دموکراسی است اما از آنجا که مرکب اعطای این آزادی و برابری هنوز خشک نشده است و از آنجا که عوامل محافظه کار و سودجو از این دگرگین منحنی که میگوید کار از نکردن عیب نمیکند تبعیت میکنند و بالاخره از آنجا که هنوز بعضی از عناصر فاسد، رشوه خوار و خائنان به منافع ملی ماسک عوض کرده همان راه سابق را میپیمایند و در دل نه تنها معتقد به میانی و حقانیت انقلاب ایران نیستند بلکه بی رحمانه تیشه بریشه آن میزنند نباید انتظار داشت که بهر رساندن انقلاب بدون کوششی عظیم میسر گردد. شک نیست که طبقات مختلف جامعه ایران متناسب وضع و موقع خود باین مسأله حیاتی توجه پیدا نموده و برای حفظ سنگرهای انقلاب مجددانه در تکاپو هستند ولی بنظر ما این تلاش قهرمانانه بدو علت اصلی بهره مورد نظر را باز نمیدهد یکی آنکه وحدت و همبستگی ندارد و دیگر آنکه بدرجه اقتدار و اصالت خود واقف نیست و حال آنکه اگر باین دو موضوع که لازمه ادامه حیات موفقیت آمیز و پر افتخار هر ملتی است عنایت شود بزرگترین مشکلات باسانی حل خواهند شد و شرایط مساعد برای نضج و پرورش معقول جامعه فراهم میگردد

### وحدت و همبستگی

سازندگی در هر شرایط زمانی و مکانی و با هر کمیت و کیفیتی که باشد احتیاج به همبستگی و وحدت نیروهای سازنده دارد اگر ارتباط مداوم و ناگسستنی بین عوامل و عناصر سازنده وجود نداشته باشد کمترین ضرر و صدمه اش پراکنده شدن قدرت و نیروی است که با راساختن نوین اجتماع را بردوش میکشد این را تکرار میکنیم که طبقات در هر اجتماع سازنده و در حال رشد باید متناسب وضع و موقع خود انجام وظیفی را برعهده گرفته و در حسن جریان تعهدات خود صادقانه و صمیمانه بکشند و این در صورتی امکان پذیر است که اولاً کلیه مهرها در جای خود قرار گیرند و ثانیاً همه مهرها به صحنه کوشش و فعالیت کشانده شوند، بررسی دقیق و همه جانبه پاره‌ای از مسائل جامعه ایران مخصوصاً آنقسمت از مسائلی که نقش ترمزکننده را ایفاء میکنند بسادگی این حقیقت تلخ را آشکار میسازد که در انقلاب ایران قسمتی از نیروهای حساس و قابل استفاده بی مصرف مانده‌اند و زمانی کراهت این بی توجهی زنده تر میشود که ملاحظه میکنیم این بسرکنار ماندگان و گوشه نشینان در واقع بهترین و ارزنده ترین نیروهای جامعه ما هستند

یعنی جوانان کشور ما انقلاب ایران نقطه عطف تاریخ نوین وطن ماست چگونه میتوان قبول کرد که در این نقطه عطف نقش جوانان با رسالت تاریخی ایشان هماهنگ نباشد؟

این را قطعاً باید قبول کرد که هیچ تحولی بدون نیروی جوانان بشمر نخواهد رسید جوانان هر اجتماع اصیل ترین عناصر نوآور بشمار میروند زیرا ذاتاً آنتی تزکهنه پرستی و ارتجاع میباشند و بحق نقش پیشقراول هر انقلابی را برعهده دارند.

بدون پرده پوشی وبدون ماست مالی کردن حقایق باید بگوش زعمای قوم بگوش دولت وبالاخره بگوش کسانیکه دلسوز انقلاب شاه و مردم هستند و یا لاقلاً اینطور عنوان میکنند برسانیم که انقلاب بدون شرکت فعال ودخال مستقیم جوانان کشور بنتیجه مطلوب و پرنمر نخواهد رسید ، جوانان وطن ما تجهیز نشده اند، آنها فورم سیاسی مشخصی ندارند. وبهمین جهت هنوز در کادر انقلاب مکان و منصب آنها مشخص نشده است در حالیکه شایسته این است که ستون های انقلاب بردوش آنها استوار باشد شک نیست که سپاهیان دانش، بهداشت و ترویج وآبادانی مجری قسمت عمده ای از شعارهای اساسی انقلاب بشمار میروند ولی همه قبول

داریم که این کافی نیست، کافی نیست به این علت که انقلاب به نیروی متحد، فشرده ودائم احتیاج دارد وحال آنکه اکنون ما نند آن میماند که این جوانان فقط يك دوره انقلابی را طی میکنند وبعد از آن عملاً از صحنه مبارزه وكوشش انقلابی خارج میگردند، برای جوانانی که بعنوان سپاهی دانش- بهداشت و ترویج و آبادانی دوران خدمت خود را گذرانده اند چه فکر اساسی کرده اید ؟؟ این سیل

جوانان دیپلمه بسوی چه سرنوشتی حرکت میکنند ؟؟ آیا این بی توجهی و نداشتن برنامه درجه آسیب پذیری جامعه را بالا نمیبرد، آیا تبلیغات مادرین زمینه باحقایق موجود هماهنگ است ؟؟ یکبار دود عدم توجه بزندگی وسر نوشت جوانان کشور بچشم ما رفته، هنوز آثار آن باقیست ، هنوز همه زخم های جامعه ما التیام نیافته است هدف باید این باشد که لاقلاً در بین جوانان زندانی سیاسی نداشته باشیم واین معنایش آنستکه بتوانیم ریشه های انحرافات سیاسی را خشک کنیم ومصونیت واقعی برای تمام جوانان کشور در برابر هر گونه تبلیغات مضر

بیگانگان و بیگانه پرستان ایجاد نمائیم، این دستگاه سیاسی و آموزشی مملکت است که وظیفه دارد آنچنان سطح شعور سیاسی و اجتماعی جوانان را بالا برد که بنحوی قاطع شرایط پیروزی و حاکمیت مسلکی اجنبی پرستان مضمحل و منکوب گردد. زنجیر اسارت و بردگی فکری جوانان کشور باید در دبستانها، دبیرستانها و دانشگاهها پاره شود در این مرحله از تعلیم و تربیت است که باید قالب سیاسی نسل جوان ریخته شود دولت انقلاب لاقبل باید باین واقعیت که دانشجویان، جوانان و روشنفکران کشور بیش از سایر طبقات اجتماع در معرض خطر هجوم مسلکی وایدئولوژیک قرار دارند توجه پیدا کند و این روش محکوم شده را که دست روی دست بگذاریم تا هر وقت منحرفی پیدا شد او را تعقیب و مجازات کنیم یکبار دیگر محکوم نماید.

مقصود این نیست که مجازات در جامعه نباید وجود داشته باشد بلکه منظوری است که علل مجازات را از بین ببریم شما میخواهید زندانها را مبدل به مکتب میهن پرستی و ارشاد کنید.

این عملی است قابل تحسین و شرافتمندانه ولی چه بهتر که سازمانهای آموزشی مملکت را مبدل بچنین مکتبی بنمائید تا احتیاج به زندان نداشته باشید مسأله آموزش و پرورش کشور را حل کنید، بنسل جوان آرمان دهید هدف خود را از کشاندن نوباوگان به آموزشگاهها روشن کنید آنوقت مسأله جوانان حل خواهد شد.

نسل جوان رکن اساسی انقلاب است، رکنی است که وحدت و یکپارچگی انقلاب را باید تأمین کند، دولت انقلاب موظف است به خواستهای این نسل با دیده احترام بنگرد و دردهای او را درمان کند، اگر شما عقدهها را نگشائید، اگر شما به علل عصیان روحی جوانان پردازید اگر شما این نیروی لایزال و شکوفان رادر راه خیر و صلاح جامعه، در راه ساختمان ایران نوین تجهیز نکنید مانند آن خواهد بود که ارزنده ترین قدرت کشور و نماینده نیروی ملت را به آغوش باز به دشمنان مملکت سوق داده اید و بادست خود تیشه بر ریشه استقلال کشور و میانی انقلاب زده اید.

### اقتدار و اصالت

انقلاب مادر حالیکه اصیل است از اقتدار کافی برخوردار نیست و علت این

امر آنستکه نیروهای انقلاب هنوز بشکل دلخواه متحد و متشکل نشده‌اند علل عدم وحدت انقلابی را تشریح کردیم و نتیجه گرفتیم که نیروهای انقلاب متناسب موضع و موقع خود در صحنه انقلاب قرار نگرفته‌اند و این مطلب خود کافیهست که اقتدار انقلاب را تضعیف کند، لازمه اقتدار هماهنگی و رشد یکنواخت جهات گوناگون انقلاب است چه اگر سائترالیزم انقلابی برای یکنواخت کردن جهش‌های سازنده و دموکراتیک وجود نداشته باشد کمترین ضررش پراکنده شدن قدرت انقلاب خواهد بود، منظور این است که نیروهای پراکنده بفرض آنکه با مطمئن‌ترین سلاح ایدئولوژیک هم مسلح باشند تنها باین علت که فاقد وحدت میباشند دارای اقتدار قابل اطمینان نخواهند بود، چنین نیروی از هم گسیخته‌ای هرگز لیاقت اجرای طرح‌های بزرگ انقلاب را نخواهد داشت آرمان مقدس انقلاب در نیروهای انقلاب و در سایه وحدت انقلابی متجلی میگردد نسل جوان ایران بحق میتواند و باید سکان دار انقلاب عظیمی باشد که در کشور ما بوقوع پیوسته است وحدت انقلاب در وحدت ملی ماست و وحدت ملی ما بستگی به همبستگی طبقات اجتماع ما دارد، آنچه‌ان همبستگی که نسل جوان در کانون آن قرار گرفته‌باشد. این واقعیت را دنیای مرفی و پیشرفته قبول دارد، آیا دولت انقلاب هم قبول میکند - ۶۶ -

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی